

# تحلیل و بررسی پتانسیل‌های عمق ژئوپلیتیک ایران در مقابله با تحریم‌های همه جانبه غرب: مطالعه موردی آمایش سرزمینی مناطق غرب کشور

سعید زینتی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

پیروز مجتهدزاده<sup>۱</sup>

دانشیار جغرافیای سیاسی، مدرس دوره دکترا، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۳۰

## چکیده

تحریم‌های ایران را از نظر تحریم کنندگان می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: تحریم‌های چندجانبه همچون تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های اتحادیه اروپا، تحریم‌های یک‌جانبه از سوی کشورهای مختلف مانند ایالات متحده و تحریم‌های کنگره آمریکا. در این وضعیت بایستی به دنبال راهکارهای علم و در دسترس برای غلبه بر مشکلات ناشی از این چالش بود. هدف اصلی این رساله عبارت است از بررسی نقش آمایش سرزمینی مناطق غربی کشور در ارتقاء پتانسیل‌های عمق ژئوپلیتیک ایران در مقابله با تحریم‌های همه جانبه غرب. سؤال اصلی رساله این است مناطق غربی کشور در ارتقاء پتانسیل‌های عمق ژئوپلیتیک ایران در مقابله با تحریم‌های همه جانبه غرب چه نقشی می‌تواند ایفا نمایند؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخگویی به سؤال فوق در صدد آزمون آن هستیم این است که به نظر می‌رسد آمایش سرزمینی مناطق غربی می‌تواند موجب پویایی توان داخلی برای مقابله با تحریم‌ها شود. در این مقاله از روش تحلیل سوات برای تحلیل و بررسی پتانسیل‌های عمق ژئوپلیتیک ایران در مقابله با تحریم‌های همه جانبه غرب استفاده می‌شود. برای سنجش وزن سنج‌ها از روش AHP استفاده شده است. جامعه آماری این رساله دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار و حجم نمونه نیز ۵۰ نفر تعیین شده است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که پایدارترین آرایشی که به سه مؤلفه مهم جمعیت، سرمایه، منابع طبیعی و محیطی یک منطقه یا سرزمین ختم می‌شود اجرای برنامه آمایش سرزمین در غرب کشور است. تنظیم رابطه بین انسان فضا و فعالیت‌های انسان در فضا به منظور بهره‌برداری منطقی از جمع امکانات در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع بر اساس ارزش‌های اعتقادی سوابق فرهنگی یا ابزار علم و تجربه در طول زمان است که جزئی از جغرافیا محسوب می‌شود. به عبارتی دیگر آمایش سرزمینی توسعه، سازمان‌دهی هم‌آهنگ و دارای نظم و نظام فضای حیاتی کشور در حوزه‌ی سیاست‌های کلی توسعه‌ی درازمدت همه‌سونگر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی در چارچوب منطقه بندی و تقسیم‌های کشوری و ضروریات امنیت اجتماعی و اقتصادی قرار دارد. لذا آمایش سرزمینی توسعه‌ی دارای دو بعد توسعه‌ای و امنیتی است.

**واژگان کلیدی:** عمق ژئوپلیتیک، تحریم، آمایش، غرب ایران.

## مقدمه

آمایش سرزمین، ارزیابی نظام‌مند عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... به منظور یافتن راهی برای تشویق و کمک به جامعه بهره‌برداران در انتخاب گزینه‌هایی مناسب برای افزایش و پایداری توان سرزمینی در جهت برآورد نیازهای جامعه است. به بیانی دیگر توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیای کلیه فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی را آمایش سرزمین می‌گویند. از مهم‌ترین خصوصیات برنامه آمایش سرزمین جامع نگر-کیفیت و سازمان‌دهی فضایی آن است. پایدارترین آرایشی که به سه مؤلفه مهم جمعیت-سرمایه-منابع طبیعی و محیطی یک منطقه یا سرزمین ختم می‌شود برنامه آمایش سرزمین نامیده می‌شود. تنظیم رابطه بین انسان فضا و فعالیت‌های انسان در فضا به منظور بهره‌برداری منطقی از جمع امکانات در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع بر اساس ارزش‌های اعتقادی سوابق فرهنگی یا ابزار علم و تجربه در طول زمان است که جزئی از جغرافیا محسوب می‌شود. در برنامه‌ریزی نوین بسیاری از کشورها، برنامه‌ریزی فضایی در جهت توسعه پایدار می‌تواند نیازهای دیگری از جمله مسائل دفاعی را برطرف نماید. در واقع آمایش دفاعی در کشوری مانند ایران استفاده از امکانات و تجهیزات طبیعی و غیرطبیعی در جهت ایجاد موانعی برای بازدارندگی از حملات دشمن است به گونه‌ای که در زمان صلح نیز بتوان از آن‌ها در راستای مسائل توسعه پایدار استفاده نمود. تحریم‌ها علیه ایران به مجموعه اقداماتی از سوی قدرت‌های جهان اطلاق می‌شود که در جهت مجازات حکومت ایران یا وادار کردن این کشور به انجام یا عدم انجام عملی به کار گرفته شده است. عمده تحریم‌ها علیه ایران پس از وقوع انقلاب ۵۷، بعد از اشغال سفارت آمریکا در تهران شکل گرفت و در پی چالش بر سر برنامه هسته‌ای ایران شدت بیشتری یافت. برنامه اتمی ایران از سال ۸۵ و به دنبال ارجاع پرونده این کشور از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت، با تحریم‌های مختلفی مواجه شده است. تحریم‌های ایران را از نظر تحریم کنندگان می‌توان به ۴ دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: تحریم‌های چندجانبه همچون تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های اتحادیه اروپا، تحریم‌های یک‌جانبه از سوی کشورهای مختلف مانند ایالات متحده و تحریم‌های کنگره آمریکا. تعاریف متعددی از واژه ژئوپلیتیک از سوی علمای علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جغرافیا صورت پذیرفته است. گاهی اوقات در بعضی تعاریف، ژئوپلیتیک معادل جغرافیای سیاسی خوانده شده است؛ اما اکثر دانشمندان ژئوپلیتیک قائل به جدایی حوزه‌های ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی هستند. دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی را بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار دولت‌ها می‌داند. این که چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و یک تکه زمینی که یک دولت روی آن قرار گرفته است، گزینه‌های سیاست خارجی دولت و جایگاه آن را در سلسله مراتب دولت‌ها تعیین می‌کند.

اندیشمندان جغرافیای سیاسی موضوع ژئوپلیتیک را مطالعه مبانی جغرافیایی قدرت دولت‌ها می‌داند. نقش ویژگی‌های سرزمین، آب و هوا، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی و خصوصیات فرهنگی بر شکل و عملکرد نظام سیاسی، مورد بحث این شاخه از دانش سیاسی است. بعلاوه چون هر یک از دولت‌ها بخشی از فضای جغرافیایی-سیاسی جهان را تشکیل می‌دهند، بحث از روابط بین‌الملل از این دیدگاه خاص نیز مطرح می‌شود. ادmond والش، به عنوان یک دانشمند سیاسی تعریفی بر مبنای عدالت بین‌المللی ارائه داده و معتقد است

ژئوپلیتیک، مطالعه مرکب از جغرافیای انسانی و علم سیاسی کاربردی است که تاریخ آن به دوران ارسطو، منتسکیو و کانت بازمی‌گردد. تعریف ابتدایی‌ای که در علوم و فنون نظامی پذیرفته شده است، عمق استراتژیک به معنای فاصله‌ی بین خط مقدم محتمل و مناطق مهم اقتصادی و سیاسی است که هنوز هم در نزد تصمیم‌گیران دارای اهمیت است. با وجود این تعریف مختصر و ابتدایی، از مشکلات اساسی مربوط به عمق استراتژیک، کمبود آثار قابل توجه در این حوزه است. اکثر تحلیلگران از این واژه استفاده می‌کنند، به‌جای اینکه تعریفی از آن ارائه دهند. کنث ای. بولدینگ مدلی از منازعه و ستیز بر سر قلمرو مکانی از مفاهیم اساسی مدل بولدینگ، عمق استراتژیک است. به نظر او، عمق استراتژیک به معنای توانمندی بازیگر در جذب یک حمله به درون خاک خود است؛ به‌طوری‌که بتواند زیرساخت‌های سیاسی، کشاورزی، اقتصادی، امنیتی و صنعتی‌اش را از آسیب محفوظ نگه دارد. بین دولت‌ها یا گروه‌های غیردولتی را بر مبنای نظریه‌ی اقتصادی رقابت فضایی ارائه کرد. در اثر کلاسیک خود با عنوان «منازعه و دفاع: نظریه‌ای کلان». مثال تاریخی عمق استراتژیک قوی، استفاده‌ی شوروی از سرزمین وسیع و ویژگی آب‌وهوایی خود در دفع حمله‌ی نظامی نازی‌ها در ۱۹۴۱ بود. اگرچه آلمانی‌ها توانستند حومه‌های شهر مسکو را اشغال کنند، اما همین امر هفت ماه از آن‌ها وقت گرفت تا بدین نقطه برسند. این میزان زمان به شوروی این امکان را داد تا دارایی‌های اساسی خود را به شرق کوهستان‌های اورال منتقل کنند. به نظر ایستون، عمق استراتژیک به ظرفیت زمینی و مکانی نظامی یک کشور اشاره دارد؛ اعم از اینکه یک کشور دارای وسعت سرزمینی بالا باشد تا در صورت حمله‌ی دشمن بتواند از خود دفاع کند و همچنین فرصت درنگ و تفکر نظامی داشته باشد یا ابزارهای نظامی مانند موشک‌های دوربرد و مکان‌های مناسب برای پرتاب آن به‌منظور آسیب به دشمن را داشته باشد. امروزه پیشرفت‌های فناورانه‌ی نظامی مانع از کاربست کامل مفهوم عمق استراتژیک به معنای کلاسیک می‌شود. اگرچه این مفهوم هنوز اعتبار خود را به‌طور کامل از دست نداده است، ولی با توجه به تحولاتی که در عرصه‌ی فناوری‌های نظامی و تغییر مؤلفه‌های قدرت رخ داده است، باید تعریفی نو و کامل‌تر از عمق استراتژیک ارائه دهیم که هم مؤلفه‌های مکانی - نظامی عمق استراتژیک کلاسیک را دارا باشد و هم مؤلفه‌های جدید قدرت را که ماهیتی نرم دارند، دربرگیرد. داود اوغلو با انتشار اثر «عمق استراتژیک» توانست این مفهوم را با تحلیل سیاست خارجی (در مصداق ترکیه) گره بزند. او در طرح عمق استراتژیک را مبتنی بر عمق جغرافیایی و عمق تاریخی تعریف می‌کند. بدین معنا که اگر کشوری از عمق تاریخی بهره‌مند باشد، از عمق جغرافیایی هم برخوردار است و لذا می‌تواند در مناطق مختلف نقش‌آفرینی کند. عمق استراتژیک و به‌عبارتی قدرت استراتژیک عبارت از قدرتی حاصل از تصویر مثبت یک کنشگر نزد سایر کنشگران مبتنی بر «مؤلفه‌های معنایی (هویتی) و مادی» است که در بستر تعاملات اجتماعی خود (داخلی و بین‌المللی) به دست آورده است. این همان تعریفی است که وجه مشترکی با «عزت ملی» نیز دارد. ماهیت معنایی و هویتی همان عزت ملی است که با «منافع ملی مادی» متفاوت است. آمایش سرزمین در سیستم حرفه‌ای امروزی و دانشگاهی ایران تنها به برنامه‌ریزی فضایی در مقیاس ملی و منطقه‌ای اطلاق می‌شود. در واقع و در سیستم حرفه‌ای جهانی، بخشی از مفهوم کلی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به حساب می‌آید. آمایش سرزمین اشاره دارد به روش‌ها و رویکردهای استفاده شده توسط بخش خصوصی و عمومی به منظور اثرگذاری بر توزیع جمعیت و فعالیت‌ها در فضاهای با مقیاس‌های گوناگون. واژه آمایش از واژه‌های فارسی باستان است که دوباره در فارسی امروز به کار

گرفته شده است. آمایش، اسم مصدر از فعل آمودن یا آماییدن است به چمار آماده کردن، آراستن، آمیختن و به رشته درآوردن. آمایش به معنی فراروند یا فرایند و پروسه است. این واژه معادل Processing در زبان انگلیسی و هم‌ارز Aménager در زبان فرانسه است. آمایش سرزمین نیز اقتباس شده از زبان فرانسه است. آمایش سرزمین، ارزیابی نظام‌مند عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... به منظور یافتن راهی برای تشویق و کمک به جامعه بهره‌برداران در انتخاب گزینه‌هایی مناسب برای افزایش و پایداری توان سرزمینی در جهت برآورد نیازهای جامعه است. به بیانی دیگر توزیع متوازن و هماهنگ جغرافیای کلیه فعالیت‌های اقتصادی-اجتماعی در پهنه سرزمین نسبت به قابلیت‌ها و منابع طبیعی و انسانی را آمایش سرزمین می‌گویند. از مهم‌ترین خصوصیات برنامه آمایش سرزمین جامع‌نگری-کیفیت و سازمان‌دهی فضایی آن است. پایدارترین آرایشی که به سه مؤلفه مهم جمعیت-سرمایه-منابع طبیعی و محیطی یک منطقه یا سرزمین ختم می‌شود برنامه آمایش سرزمین نامیده می‌شود. تنظیم رابطه بین انسان فضا و فعالیت‌های انسان در فضا به منظور بهره‌برداری منطقی از جمع امکانات در جهت بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع بر اساس ارزش‌های اعتقادی سوابق فرهنگی یا ابزار علم و تجربه در طول زمان است که جزئی از جغرافیا محسوب می‌شود. در برنامه‌ریزی نوین بسیاری از کشورها، برنامه‌ریزی فضایی در جهت توسعه پایدار می‌تواند نیازهای دیگری از جمله مسائل دفاعی را برطرف نماید. در واقع آمایش دفاعی در کشوری مانند ایران استفاده از امکانات و تجهیزات طبیعی و غیرطبیعی در جهت ایجاد موانعی برای بازدارندگی از حملات دشمن است به گونه‌ای که در زمان صلح نیز بتوان از آن‌ها در راستای مسائل توسعه پایدار استفاده نمود.

### رویکرد نظری

نیروها و گروه‌های اجتماعی به صورت تصادفی پدید نمی‌آیند، بلکه مبتنی بر علایق گوناگونی در درون ساخت جامعه هستند. چنین علایقی معمولاً در حول شکاف‌های اجتماعی شکل می‌گیرند، برخی از جامعه‌شناسان به جای شکاف از تعارض و تضاد اجتماعی سخن گفته‌اند: به نظر می‌رسد که تعارضات و تضادهای اجتماعی مفهومی گسترده‌تر انتزاعی از مفهوم شکاف‌های اجتماعی داشته باشد. شکاف اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌هایی می‌گردد و این گروه‌بندی‌ها ممکن است تشکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پدیدآورند. قاعده جامعه‌شناسی سیاسی این است که زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار می‌گیرد؛ اما تنوع جامعه‌شناسی سیاسی کشورهای گوناگون ناشی از نوع و شمار این شکاف‌ها و نحوه صورت‌بندی آن‌ها است (قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۱۲). در بررسی شکاف‌های اجتماعی پایه به تنوعات جغرافیایی و تنوعات تاریخی توجه داشت. نوع و تعداد و چگونگی صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی برابر عوامل گوناگون از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از زمانی به زمان دیگر در درون یک کشور ممکن است تغییر کند. به علت چنین تنوعاتی می‌توان شکاف‌های اجتماعی را به شکاف‌های فعال یا غیرفعال و ساختاری یا تاریخی تقسیم کرد، مثلاً شکاف طبقاتی در یک کشور ممکن است از نظر سیاسی خفته و غیرفعال باشد؛ یعنی اینکه آگاهی سیاسی و سازمان‌دهی و عمل سیاسی بر پایه آن صورت نگرفته باشد. شکاف اجتماعی وقتی فعال می‌شود که بر پایه آن گروه‌بندی‌هایی و عمل و آگاهی سیاسی تکوین یابد هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که فاقد شکاف و یا تنها دارای یک شکاف اجتماعی باشد (همان، ۱۳۸۳: ۲۰۹). قومیت یا قوم گروهی از انسان‌هاست

که اعضای آن دارای ویژگی‌های نیایی و اصل و نسبی یکسان یا مشترک هستند. هم‌چنین گروه‌های قومی اغلب دارای مشترکات فرهنگی، زبانی، رفتاری و مذهبی هستند که ممکن است به آبا و اجدادشان برگردد یا بر اساس عوامل دیگری به وجود آمده باشد؛ بنابراین یک گروه قومی می‌تواند یک جامعه فرهنگی نیز باشد (جهان بین، ۱۳۷۹: ۳۱). مذهب در گذشته به مکتب‌های فکری درون یک دین (مانند مذاهب چندگانه فقه اسلامی) اطلاق می‌شد. در مغرب زمین، واژه Religion به معنای مکتب‌های درون یک دین و به معنای خود دین به کار می‌رود. حدود نیم قرن است که در ایران تحت تأثیر این موضوع، کلمه مذهب را به هر دو معنا استعمال می‌کنند. این اصطلاح در زبان عربی و فارسی به دو مفهوم بکار رفته است (علی‌جانی، ۱۳۸۵: ۸۴). هارتشورن معتقد است: ژئوپلیتیک عبارت است از کاربرد دانش و تکنیک‌های جغرافیای سیاسی در مسائل روابط بین‌الملل (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۲).

ژئو استراتژی علم کشف روابط استراتژی و محیط جغرافیایی است که به تعیین قلمرو جغرافیایی استراتژی‌های نظامی به منظور هدایت صحیح عملیات نظامی می‌پردازد (عزتی، ۱۳۸۲: ۴). ژان ایونا گاتمن سرزمین را این‌گونه تعریف کرده است: سرزمین بخشی از جلوه گاه جغرافیایی است که با ادامه فیزیکی قلمرو یک حکومت برابری پیدا می‌کند. این مفهوم پهنه فیزیکی یک سیستم را معرفی می‌کند که در حکومتی ملتی و یا در بخشی از آن که از گونه‌ای اقتدار برخوردار باشد قوام می‌گیرد (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۳۹) یک کشور یک واحد سیاسی است و مجموعه‌ای از این واحدهای سیاسی نقشه سیاسی جهان را تکمیل می‌کند. از نظر ساختاری کشور از به هم آمیختن سه عنصر سرزمین، ملت و حکومت پدیدار می‌آید (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۳۱). مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل از واحدهای دیگر است (میر حیدر، ۱۳۷۱: ۱۶۱). ملت به مجموعه‌ای از افراد ساکن در فضای جغرافیایی مشخص و محدود از حیث سیاسی اطلاق می‌شود که بر اساس عوامل و خصیصه‌هایی نظیر تبار، تاریخ، فرهنگ، دین، مذهب، سرزمین، قومیت، زبان و... نسبت به یکدیگر احساس همبستگی و همانندی می‌کنند و خود را به یک ما می‌دانند. ملت از عناصر ساختاری و بنیادین دولت است. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۱۱). هویت ملی عبارت است از مجموعه خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت که افراد آن نسبت به آن‌ها خود آگاهی یافته و به واسطه آن‌ها احساس یگانگی و تعلق به همدیگر می‌کنند. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

عمق استراتژیک یک واژه در ادبیات نظامی است که به طور گسترده به فاصله بین خط مقدم یا بخش‌های نبرد رزمندگان و مناطق اصلی صنعتی، پایتخت‌ها، قلب کشور و دیگر مراکز اصلی جمعیت و تولید نظامی اطلاق می‌شود. اصول کلیدی که هر فرمانده نظامی در مورد عمق استراتژیک باید در نظر بگیرد همانا میزان آسیب‌پذیری هر یک از این مواضع خودی در صورت یک حمله پیشدستانه سریع یا تک روشمند است؛ و اینکه آیا یک کشور می‌تواند به درون قلمرو خود عقب نشینی کند، رانش را جذب نماید و در عوض بتواند مانع از به ثمر رسیدن حمله بعدی بشود.

اگرچه اجرای راهبرد عمق‌بخشی استراتژیک در طول تاریخ وجود داشته است و افراد و کشورها با تصرف مناطق حساس و یا ایجاد قلعه‌ها و دژهای مستحکم در مناطق سوق‌الجیشی سعی در استفاده از این راهبرد داشته‌اند، از مهم‌ترین نمونه‌هایی که می‌توان نام برد که باعث تحولات بسیاری در تاریخ اسلام گردید، همانا هجرت حضرت رسول (ص) از مکه به مدینه است که باعث قوت و توسعه اسلام در کل جزیره‌العرب گردید. با همه این تفاسیر

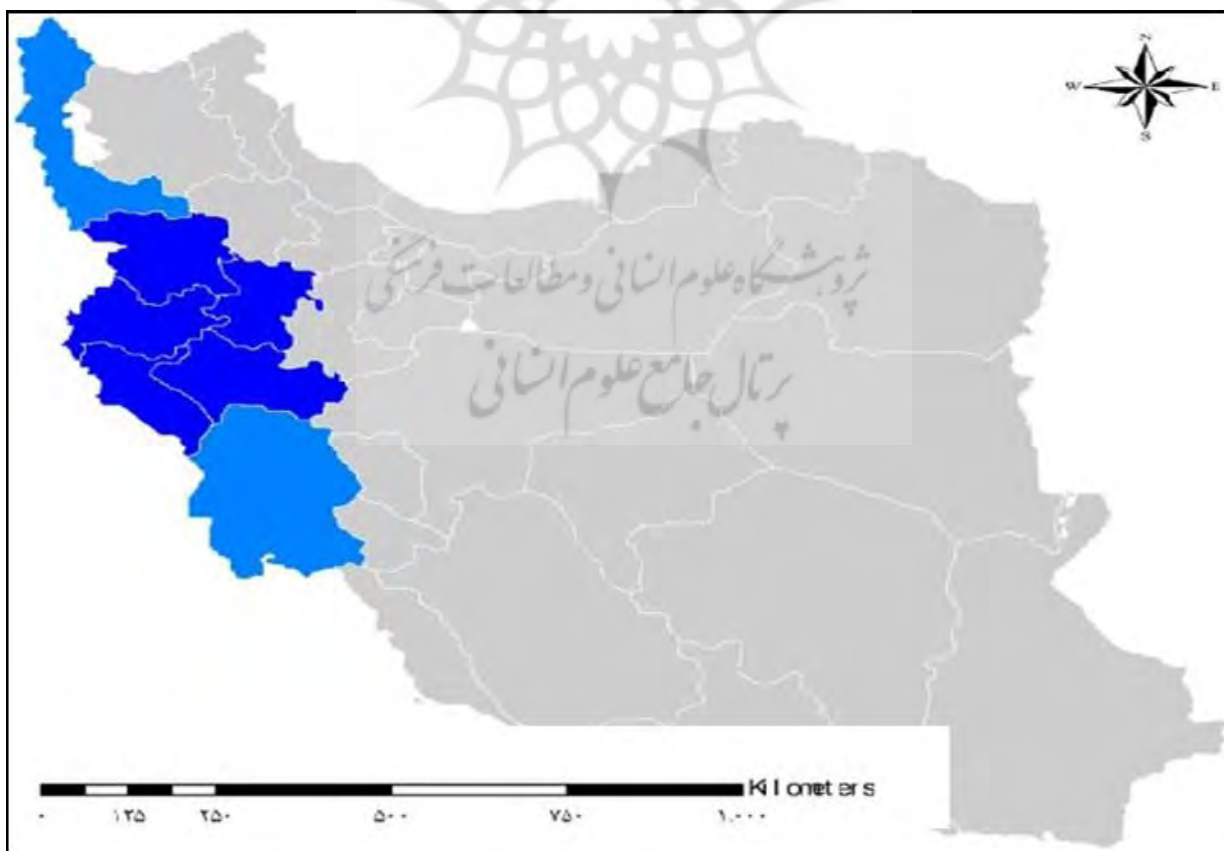
کارشناسان و صاحب‌نظران علوم راهبردی، بررسی تئوری عمق استراتژیک در ادبیات سیاسی معاصر را از پایان جنگ جهانی دوم می‌دانند، چرا که با پایان جنگ جهانی دوم، دو قدرت بزرگ جهانی یعنی ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در صحنه بین‌المللی سر برآوردند. هر دو قدرت به وضوح دریافتند که عوامل جغرافیایی، اعمار و کشورهای همسور در مناطق سوق‌الجیشی جهان و نشر ایدئولوژی در صحنه عملیاتی، بیشترین نقش را در تحقق پیروزی‌ها و شکست‌های آینده خواهد داشت. آمریکایی‌ها و روس‌ها با استفاده از تجربیات به دست آمده و دو جنگ جهانی اول و دوم و وقایع تلخ نظامی که بر اثر استفاده نابجا از علم نصیب آلمان شده بود، توانستند عوامل ثابت ژئوپلیتیکی را با عوامل انسانی و متغیر علم ترکیب کنند. به گونه‌ای که نظریات مربوط به راهبرد عمق استراتژیک، در تدوین راهبردهای ملی و بین‌المللی، دو ابر قدرت لحاظ شد و بر اساس آن، عملاً علایق آمریکا در حوزه اقیانوس اطلس، اروپای غربی، آمریکای شمالی و جنوبی و سرزمین‌های ساحل غرب و شرق اوراسیا، فزونی یافت. از سوی دیگر، اتحاد شوروی که توانسته بود در جریان جنگ جهانی دوم سرزمین‌های اروپای شرقی را به اشغال خود در آورده و تا قلب آلمان پیش برود. پس از جنگ به استحکام و تجهیز پایگاه‌ها و نیروهای نظامی در جهت عمق بخشی استراتژیک خود پرداخت.

بیرون رفتن شوروی از سرزمین‌های اشغالی در اروپای شرقی و پشتیبانی آمریکا از کشورهای اروپای غربی و دادن کمک‌های مالی به آن‌ها، تقسیم شدن آلمان به دو بخش شرقی و غربی و گسترش ایدئولوژی مارکسیسم و کمونیسم در برابر تز کاپیتالیسم و سرمایه‌داری که در سایه عملی کردن راهبرد عمق‌بخشی استراتژیک صورت گرفت، منجر به برخورد منافع دو ابر قدرت گردید و آن‌ها را هر چه بیشتر از هم دور ساخت. شکل‌گیری پیمان‌های نظامی ناتو و ورشو، ساخت بمب اتمی و هیدروژنی و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما، باعث تقویت بنیه تدافعی و تهاجمی دو قدرت بزرگ بری و بحری جهان شد و تلاش دو ابر قدرت به منظور حفظ موقعیت و گسترش قلمرو راهبردی خود رو به افزایش گذاشت. آمریکا کوشید بر سراسر اقیانوس آرام و اطلس، پهنه اقیانوس هند و خلیج فارس اعمال نفوذ کند و در این میان تأمین امنیت خروج نفت از خلیج فارس، نقش اساسی در راهبرد ملی آمریکا داشته است. آمریکا برای عمق‌بخشی بر این راهبرد ملی خود، طرح‌های مختلفی را به اجرا گذاشت از جمله دکترین و طرح ترومن، طرح مارشال و پیمان ناتو، پیمان سنتو و سیتو و پیمان آسیای جنوب شرقی و... (نقیب زاده، ۱۳۶۹: ۳۰۲). شوروی نیز در همین راستا دست به اقدامات متعددی زد از جمله پیمان ورشو، پیمان کشورهای کمونیست آسیای جنوب شرقی، اتحاد نظامی با کشورهای حاشیه آمریکا از جمله کوبا و اشغال نظامی افغانستان و... (نقیب زاده، ۱۳۶۹: ۴۰۲)؛ این اقدامات نشان می‌دهد که کشمکش بین آمریکا و شوروی و تلاش برای توسعه عمق استراتژیک خود پایان‌ناپذیر می‌نمود. گسترش نفوذ این دو ابر قدرت برای گسترش عمق استراتژیک خود حتی به کشورهای آسیای جنوب شرقی و آفریقا نیز به شکل‌های مختلف گسترش یافته بود. پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق و برپائی نظام تک‌قطبی در جهان، باز هم از ارزش راهبرد عمق استراتژیک کم نشد و آمریکا با استفاده از موقعیت پیش آمده در صدد دست‌اندازی به کشورهای بلوک شرق سابق برآمد. از سوی دیگر با وقوع وقایع ۱۱ سپتامبر و انفجار برج‌های دوقلو در نیویورک، زمینه و بهانه لازم برای عمق‌بخشی راهبردی آمریکا در هارتلند جهان و منطقه قلب انرژی جهان (که اهمیت آن در سال‌های آینده ده‌ها برابر خواهد شد) با تصرف عراق، فراهم نمود و حضور نظامی

آمریکا را در یکی از مناطق منحصر به فرد ژئواستراتژیک جهان یعنی افغانستان (برای کنترل روسیه- چین- هند و ایران) به ارمغان آورد که این سیاست در سال‌های اخیر هم ادامه دارد. اگرچه با قدرت گرفتن دوباره روسیه و همچنین ظهور قدرت‌های جدید جهانی همچون چین، روند بین‌المللی به این سو، سوق پیدا کرده است. در این راستا جمهوری اسلامی ایران نیز ضمن وقوف به اهمیت به‌کارگیری این راهبرد، توانسته تا حدی عمق استراتژیک خود را در سطح جهانی و به‌ویژه منطقه حساس خاورمیانه گسترش دهد. در بعد اقتصادی عمق استراتژیک عبارت است از: «نفوذ به بازارهای کشورهای منطقه و جهان و کم کردن وابستگی کشور به کالاهای استراتژیک که می‌تواند مورد استفاده دشمن در تحریم‌ها قرار گیرد (مثل بنزین) و در دست گرفتن گلوگاه‌های اقتصادی دشمن و استفاده از آن در مواقع ضروری.» این تعریفی کلی از عمق استراتژیک اقتصادی است که اصول آن، به صورت تلویحی در سخنان کارشناسان و صاحب‌نظران به آن اشاره شده است.

#### منطقه مورد مطالعه

غرب ایران ناحیه غربی ایران شامل سه استان نوار مرزی کردستان، کرمانشاه و ایلام همراه با همدان و لرستان می‌شود که گاه استان‌های آذربایجان غربی و خوزستان را نیز شامل می‌شود. از شهرهای مهم آن سنندج، کرمانشاه، ایلام، همدان، به‌علاوه ارومیه و اهواز است. در گذشته، قسمت عمدۀ و غربی از ناحیه جبال (عراق عجم) بوده است. در سال ۱۳۱۶ این ناحیه به‌طور عمدۀ به‌عنوان «استان غرب» یکی از شش استان ایران و سپس به‌عنوان استان پنجم از ده استان ایران بوده است (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۸ تا ۳۰).



نقشه شماره ۱- موقعیت منطقه غرب کشور در نقشه ایران

منبع: یافته‌های پژوهش

استان خوزستان با مساحتی بالغ بر ۶۷ هزار و ۲۸۲ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران قرار دارد که از شمال به استان لرستان، از شمال شرق به استان اصفهان، از شمال غرب به استان ایلام، از شرق و جنوب شرقی به استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب به خلیج فارس و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. جمعیت کنونی استان چهار میلیون و ۲۳۴ هزار نفر برآورد شده که ۳۳ درصد آن را روستائیان تشکیل می‌دهند. همچنین از مجموع جمعیت استان، ۵۰/۹۲ درصد را مردان و ۴۹/۸ درصد آن را زنان تشکیل داده‌اند. آب‌وهوای استان خوزستان در مناطق کوهستانی و مرتفع با تابستانه‌ای معتدل و زمستان‌های سرد، در نواحی کوهپایه‌ای دارای آب و هوای نیمه بیابانی و در نواحی پست و جلگه‌ای هرچه به سمت جنوب و جنوب شرقی بیابانی وجود دارد. زمستان‌های این استان به‌ویژه در نواحی جنوب و جنوب شرقی استان عمدتاً کوتاه و معتدل و تابستان‌های آن طولانی و گرم است به طوری که حداکثر مطلق درجه حرارت در شهرهای اهواز، آبادان و دزفول در تابستان به ترتیب ۵۰ و ۴۱ و ۵۰ درجه می‌رسد معمولاً در تیرماه به بالاترین حد خود و در بهمن ماه به پایین‌ترین میزان خود در طول سال می‌رسد و در این ناحیه تعداد روزهای یخبندان بسیار اندک است. وجود تالاب هورالعظیم، باتلاق‌ها، نيزارها و سواحل زیبای خلیج فارس در جنوب و کوه‌های بلند و برف‌گیر در تمامی نقاط شمالی استان و جلگه بسیار پست و گرم شرق خوزستان، دورنما و چشم اندازه‌ها و اقلیم‌های متفاوتی به ویژه در فصل بهار در چهار سوی استان فراهم آورده است. دسترسی به آب‌های آزاد در طول سواحل جنوبی و داشتن رودخانه‌های متعدد و پر آب که از هزاره‌های پیش از میلاد زیستگاه اقوام کهن ایرانی و مهد تمدن و کشت و کار و آبیاری بوده، از زیرساخت‌های اصلی اکوتوریسم خوزستان محسوب می‌شود. همچنین وجود دریاچه پشت سدهای استان از جمله دز که به عنوان ششمین سد مرتفع جهان شناخته شده، کارون ۳، کرخه و سدهای شهید عباس پور و خلیل خان (چهل بری) امکانات فراوانی برای بهره‌برداری‌های گردشگری در این استان فراهم آورده است (ساری صراف و محمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۸ - ۱۴۱).

استان ایلام یکی از استان‌های کشور ایران است که در باختر این کشور و در ناحیه‌ای کوهستانی و نیمه گرم قرار گرفته است. مرکز این استان شهر ایلام است. استان ایلام از غرب با کشور عراق، از جنوب با استان خوزستان، از شرق با استان لرستان و از شمال با استان کرمانشاه همسایه است. این استان از استان‌های جنگلی ایران است و به خاطر زیبایی طبیعتش از آن با نام عروس زاگرس نیز یاد می‌شود. پیش از دوره رضاشاه به این ناحیه پشتکوه می‌گفتند. استان کردستان یکی از استان‌های کردنشین در غرب ایران است. این استان از سمت غرب به منطقه خودمختار کردستان کشور عراق، از سمت شرق به استان همدان، از سمت شمال به استان آذربایجان غربی و از سمت جنوب به استان کرمانشاه محدود شده است. ساکنان استان کردستان به زبان کردی سخن می‌گویند. مرکز این استان، شهر سنندج است. کردستان پنجره‌ایی به ایرانیان اصیل است، می‌توان اهالی کردستان را ایرانی‌ترین ایرانیان نام برد، زبان کردی امروزی دارای بیش از هفتاد درصد زبان اصیل ایرانی (پهلوی) را دارا است شما در کردستان شاهد مردمی خونگرم و بسیار مهمان‌نواز خواهید بود ویژگی‌هایی که ایرانیان کهن را با آن می‌شناختند. برای علاقه‌مندان به اکوتوریسم - طبیعت‌گردی، کوهستان‌ها و مناظر طبیعی استان کردستان بسیار منحصربه‌فرد است. استان کرمانشاه در غرب ایران واقع شده است. جمعیت این استان بنا بر برآوردهای سال ۲۰۰۶ ۱۹۰۲۷۶۰ نفر است. مرکز این استان



شهر کرمانشاه است که دارای حدود ۷۶۵۰۰۷۵ نفر جمعیت است که ۱۰۴۱۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. این استان در گذشته یکی از مراکز ساسانیان بوده است و از همین دوره آثار بسیار زیاد و ارزشمندی در این استان مانند تاق بستان، کتیبه بیستون و معبد آناهیتا باقی مانده است و در طی سده‌های گوناگون نیز به دلیل جایگاه ویژه راهبردی این شهر دارای اهمیت ویژه‌ای بوده است. امروزه نیز از مهم‌ترین شهرهای غرب ایران به شمار می‌رود. کهگیلویه و بویراحمد یکی از استان‌های کشور ایران است. مرکز آن شهر یاسوج است و با مساحتی حدود ۱۶ هزار و ۲۴۹ کیلومتر مربع، سرزمینی نسبتاً مرتفع و کوهستانی است. جمعیت کهگیلویه و بویراحمد بر پایه سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ برابر با ۶۳۴۲۹۹ نفر بوده که ۵۲ درصد آن‌ها در روستاها و مابقی در شهرها سکونت دارند (ساری صراف و محمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۸ - ۱۴۱).

استان لرستان از استان‌های غربی ایران است. این استان ۲۸۳۰۸ کیلومتر مربع مساحت و بیش از یک میلیون و ۷۶۰ هزار نفر جمعیت دارد. نرخ بیکاری در لرستان با ۲۰/۲ درصد بالاترین نرخ بیکاری در ایران است. این استان سیزدهمین استان کشور از نظر جمعیت است و یکی از استان‌های پرجمعیت ایران به شمار می‌رود. خرم‌آباد مرکز استان است. طبق آمار سال ۱۳۸۵، خرم‌آباد بیستمین شهر بزرگ کشور است. لرستان سرزمینی کوهستانی است و غیر از چند دشت محدود، سراسر آن را کوه‌های زاگرس پوشانده است. اشترانکوه با ۴۱۵۰ متر ارتفاع بلندترین نقطه استان واقع در حدفاصل شهرستان‌های دورود، ازنا و الیگودرز و پست‌ترین نقطه آن در جنوبی‌ترین ناحیه استان واقع شده و حدود ۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی این منطقه یکی از نخستین سکونتگاه‌های قدیمی بشر است و مفرغ لرستان از شهرت باستان‌شناسی زیادی برخوردار است. لرستان تنها استان ایران است که به دلیل اهمیت فوق‌العاده تاریخی یکی از ۴ بخش اصلی موزه ملی ایران را به خود اختصاص داده است. این ۴ بخش اصلی عبارت‌اند از پیش از تاریخ، تاریخی و لرستان، دوران اسلامی، مهر و سکه. استان لرستان سومین استان پرآب کشور است و ۱۲ درصد آب‌های کشور را در اختیار دارد. این استان علی‌رغم غیرمرزی بودن خسارت‌های بسیاری در جریان جنگ ایران و عراق متحمل شده است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۲).

استان کرمانشاه یا استان کرمانشاهان با مساحت ۲۴۶۴۰ کیلومتر مربع، هفدهمین استان ایران از نظر وسعت به شمار می‌رود. مختصات جغرافیایی کامل استان کرمانشاه بر روی کره زمین از طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۲۰ دقیقه و ۳۹ ثانیه شرقی تا ۴۸ درجه و ۱ دقیقه و ۵۸ ثانیه شرقی و از عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۷ دقیقه و ۸ ثانیه شمالی تا ۳۵ درجه و ۱۷ دقیقه و ۸ ثانیه شمالی است. استان کرمانشاه که ۵/۱ درصد مساحت کشور را دربرمی‌گیرد، از استان‌های غربی به شمار می‌آید که با کشور عراق مرز مشترک دارند. این استان از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان لرستان و ایلام، از شرق به استان همدان و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. مرکز استان کرمانشاه، شهر کرمانشاه است. بر اساس آخرین تغییرات در ۱۳۹۰ استان کرمانشاه از ۱۴ شهرستان، ۳۱ شهر، ۳۱ بخش و ۸۴ دهستان تشکیل شده است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۲).

استان آذربایجان غربی یکی از ۳۱ استان ایران است که در منطقه آذربایجان در شمال غربی این کشور قرار دارد و مرکز آن شهر ارومیه است. این استان با داشتن حدود ۱۰۰۰ کیلومتر راه اصلی و بزرگراه که از شمالی‌ترین نقطه

استان (مرز بازرگان) تا جنوبی‌ترین منطقه آن (بوکان) را به هم متصل می‌کند و از امکان ارتباطات زمینی مناسبی برخوردار است. این استان تنها استان ایران است که با ترکیه هم مرز است (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۲). استان آذربایجان غربی در شمال غربی ایران قرار دارد و از شمال به جمهوری آذربایجان و ترکیه، از مغرب به کشورهای ترکیه و عراق، از شرق به استان آذربایجان شرقی و استان زنجان و از جنوب به استان کردستان محدود است. مساحت استان برابر ۳۷۰۵۹ کیلومتر مربع است که سیزدهمین استان بزرگ کشور محسوب می‌شود و ۲۲۵ درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. جمعیت استان آذربایجان غربی طبق سرشماری سال ۱۳۸۵، ۲۸۷۳۴۵۹ نفر است که ۴۰۰۸ درصد جمعیت کل کشور را در خود جای داده است و از این لحاظ هشتمین استان پرجمعیت کشور به شمار می‌آید.

استان آذربایجان غربی یکی از مناطق کوهستانی کشور است و توپوگرافی متنوع و گسترده‌ای دارد. بر اساس ساختار طبیعی استان، اکوسیستم‌های ویژه‌ای از ترکیب گیاهان در سطوح مختلف پوشش گیاهی در سطوح مختلف توپوگرافی به وجود آمده است که اهم آن‌ها به شکل جنگل‌ها و مراتع خودنمایی می‌کنند. این استان یکی از مناطق مستعد کشاورزی است. علاوه بر این وجود ایلات و عشایر در دامداری استان نقش قابل توجهی دارد. این استان از نظر اکتشاف و بهره‌برداری منابع معدنی نسبت به سایر استان‌ها در وضع مطلوبی قرار ندارد. بررسی ترکیب کارگاه‌های موجود استان نیز نشان می‌دهد که دو گروه صنعتی کانی‌های غیرفلزی و غذایی - دارویی در بین سایر صنایع بالاترین تعداد میزان اشتغال را دارد. از جمله معادن این استان می‌توان به معادن مصالح و سنگ‌های ساختمانی، گرانیت، میکا، زرنیخ، تالک، تراورتن، طلا، خاک نسوز و پوکه معدنی اشاره کرد. استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۸۵ دارای ۱۷ شهرستان، ۳۶ بخش، ۳۶ شهر، ۱۰۹ دهستان و ۳۷۲۸ آبادی است و مرکز آن شهر تاریخی ارومیه بوده است. از لحاظ وسعت ارومیه بزرگ‌ترین و شهرستان شوط کوچک‌ترین شهرستان‌های استان هستند (خطیب شهیدی و عمرانی، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

#### بحث و یافته‌ها

کارکرد آمایش سرزمینی توسعه پدیده‌هایی، نظم و نظام دادن به فضای سرزمینی، جلوگیری کردن از ایجاد عدم توازن و پیشگیری از ریخت‌افتادگی فضاهای زیست افراد جامعه و بالمآل ممانعت از بروز مخاطره‌های ناشی از پراکندگی / تمرکز است. گذشت از آن‌ها؛ ایستایی / تحرک، بی‌برنامگی، فاقد راهبرد و ناهمگن بودن با سطح‌های مختلف و سیاست‌گذاری کلی توسعه‌ی کشور بر اساس سه محور عدالت در توزیع فضا و منابع محیطی و مصرف درآمد نیز از کارهای آمایش سرزمین توسعه محسوب می‌شود. است. به‌عبارتی دیگر آمایش سرزمینی توسعه، سازمان‌دهی هم‌آهنگ و دارای نظم و نظام فضای حیاتی کشور در حوزه‌ی سیاست‌های کلی توسعه‌ی درازمدت همه‌سونگر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی در چارچوب منطقه بندی و تقسیم‌های کشوری و ضروریات امنیت اجتماعی و اقتصادی قرار دارد. لذا آمایش سرزمینی توسعه دارای دو بعد توسعه‌ای و امنیتی است (کوهن، ۱۳۸۷). نظر به اهمیت و جایگاه ویژه بخش امنیت، ضروری است که ابتدا بعد امنیتی آمایش سرزمینی توسعه مورد نظر قرار گیرد. در کشورهای پیشرفته، آمایش سرزمینی توسعه ابتدا مفهومی امنیتی دارد و سپس معنای توسعه‌ای پیدا می‌کند. بدین معنی که قبل از ساخت سد، بزرگ‌راه، نیروگاه‌های اتمی و... موضوع در کمیته‌های

آمایش سرزمینی توسعه مطرح می‌گردد و پس از اخذ موافقت مسئولین، نسبت به ساخت آن‌ها اقدام می‌شود. در ساخت چنین تأسیساتی، نیروهای کارآمد و علمی نیز مشارکت داشته و هم‌ه‌ی عامل‌های آمایش سرزمینی توسعه را از نظر پدافند و آفند ملحوظ نظر قرار می‌دهند.

اهمیت مسئله برنامه‌ریزی آمایش سرزمین یا برنامه‌ریزی فضایی، مقوله‌ای است که بر آن تأکید شده است و برخی جوانب مهم این‌گونه برنامه‌ریزی معرفی شد و در واقع کسانی که معتقدند جهان از سه نوع عدم تعادل رنج می‌برد:

۱- عدم تعادل میان شمال- جنوب

۲- عدم تعادل میان ثروتمندان و تهیدستان

۳- عدم تعادل میان انسان و طبیعت (کوهن، ۱۳۸۷).

پاسخ قانع‌کننده خود را بهتر است در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین جست‌وجو کنند. در حقیقت می‌توان دریافت که با اجرای برنامه‌ریزی فضایی، از سطح بین‌المللی تا سطوح محلی می‌توان به این‌گونه عدم تعادل‌ها خاتمه داد. یعنی در حقیقت فقر و محرومیت ملی و منطقه‌ای را کاهش داد. به علاوه از طریق برنامه‌ریزی فضایی هم روستاها و هم شهرها از بند فقر و محرومیت رها خواهند شد در غیر این صورت، تأکید بر برنامه‌ریزی بخشی و عدم توجه به اجرای برنامه‌ریزی فضایی، علاوه بر این که تنگناهایی را برای روستاها پدید می‌آورد، باعث می‌شود که مردمان مناطق حاشیه‌ای و به خصوص روستائیان به سوی قطب‌ها و شهرهای بزرگ مهاجرت کنند و چون شهرها نیز ظرفیت پذیرش تمامی افراد مناطق حاشیه‌ای و روستایی را نخواهند داشت، لذا بروز مسائل گوناگون شهری نظیر حاشیه‌نشینی در جوار شهرهای بزرگ، آلودگی هوا و نیز دور از واقعیت نخواهند بود و عدم تعادل فضایی همچنان برقرار خواهد ماند.

بر این اساس که توجه به سیاست‌های کلان آمایش سرزمین ضرورت می‌یابد. موارد ذیل در چارچوب سیاست‌گذاری در زمینه آمایش سرزمین قابل بررسی و تأمل است:

- گسترش و تجهیز کریدورهای ارتباطی با عملکرد فراملی و مراکز جمعیتی مستقر برای استفاده از مزیت‌های موقعیت جغرافیایی و ترانزیتی

- پیش‌بینی مراکز جمعیت برای تقویت نقش منطقه‌ای کشور در رابطه فراملی و بین‌المللی

- تقویت ظرفیت‌های تولیدی در صنایع مورد تقاضا در نواحی مناسب بازارهای مصرف

- پیش‌بینی مراکز صنعتی مناسب و مکان‌یابی آن‌ها

- تعیین و آماده‌سازی مسیرهای انتقال انرژی در ابعاد داخلی و بین‌المللی

- تجهیز مراکز جمعیتی و صنعتی، توسعه ظرفیت‌های زیربنایی با توجه به تفاوت‌های عمده بین مناطق شمالی و جنوبی و شرقی و غربی کشور به لحاظ زیست‌محیطی

توزیع مناسب جمعیت و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین و بهره‌برداری کارآمد، از قابلیت‌ها و مزیت‌های کشور «سند ملی آمایش سرزمین» در کشور است. این امر در سه سطح کلان، بخشی و استانی انجام می‌گیرد.

در سطح بخشی محورهای ذیل مورد توجه قرار می‌گیرند:

۱. سازگاری فرآیند توسعه با ویژگی‌های سرزمین

۲. سیاست‌های منطقه‌ای و سرزمینی بخش‌ها

۳. اولویت‌ها در توسعه بخش

۴. در سطح استانی نیز محورهای مورد توجه موارد ذیل را شامل می‌شوند:

۵. بخش‌های محوری و اولویت‌دار

۶. نقش استان در تقسیم‌کار ملی

۷. سازمان فضایی توسعه استان (کاوینانی راد، ۱۳۸۳).

باین‌حال، آنچه که در اجرای سند آمایش سرزمینی کشورمان قابل توجه است، توجه به این نکته است که در صورت عدم توجه به شاخص‌هایی چون:

۱. جمعیت، امکانات، قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی، ظرفیت توسعه‌پذیری.

ایران با سابقه نزدیک به ۵۰ سال برنامه‌ریزی تا کنون دو بار تهیه برنامه‌های بلندمدت آمایشی را تجربه کرده است تجربه اول مربوط به مطالعات ستیران بود که در دهه ۵۰ بصورت تفصیلی تهیه و تدوین شده و با وقوع انقلاب اسلامی ایران مسکوت ماند و تجربه دوم مربوط به سال ۶۱ بود که به عنوان اولین طرح آمایش جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورد به جنگ و افزایش مسائل و مشکلات اقتصادی کشور به مرحله اجرا نرسید. تفکر برنامه‌ریزی بلندمدت آمایشی در طول دهه‌های اخیر همواره فکر برنامه‌ریزان و متخصصان برنامه‌ریزی و توسعه کشور را به خود مشغول کرده و اخیراً از سال ۷۶ مرحله جدید مطالعات آمایش ملی در یک چارچوب جدید و در یک تعامل ملی - منطقه‌ای شروع شده و در حال تهیه و تدوین است (کاوینانی راد، ۱۳۸۳).

توجه به آمایش سرزمین در دور اخیر در واقع مولود وجود نوعی احساس نیاز به دیدگاه‌های جامع‌نگر، دورنگر و راهبردی بود که نه تنها به روابط غیر بخشی و بین منطقه‌ای نظر داشته باشد بلکه روابط بخشی - منطقه‌ای را نیز با خود داشته باشد. این تفکر را می‌توان نوعی تحول در مختصات فکری نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور دانست هرچند اهداف و سیاست‌های برنامه‌ریزی ملی از جایی به جای دیگر و در زمان‌های مختلف متفاوت است اما این سیاست‌ها نوعاً جهت کاستن از شکاف میان مناطق، توزیع مجدد و یا تغییر الگوی رشد جمعیت و فعالیت اقتصادی در فضا، توسعه مناطق مرز منابع و ارتقا تخصیص منابع است (کوهن، ۱۳۸۷).

بی‌شک غایت اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها رسیدن به توسعه پایدار، تعادل منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از قابلیت‌های محیطی در فرایند توسعه مناطق است. تمرکز شدید جمعیت و فعالیت‌ها در یک یا چند نقطه جغرافیایی از مشخصه‌های بارز اکثر کشورهای جهان سوم بخصوص ایران است عدم توجه به برنامه‌های بلندمدت و تکیه سیاست‌گذاران به برنامه‌های توسعه سطحی جهت تحقق شعارهای خود از موانع اصلی توسعه ناموزون کشور است. بررسی برنامه‌ریزی توسعه در دوران سی‌ساله قبل از انقلاب نشان می‌دهد که به رغم دستیابی به رشد اقتصادی در چند بخش و حتی افزایش چشمگیر درآمد سرانه، رژیم گذشته در پیشبرد اهداف توسعه با مشکلاتی مواجه شد. ریشه این مشکلات عمدتاً ناشی از تنظیم برنامه‌ریزی توسعه با نگرش صرف اقتصادی و بدون توجه به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای آن بود که به نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای به شدت دامن زد و مانع از برخورداری متعادل همه مناطق از مواهب توسعه گردید (کوهن، ۱۳۸۷).

این نوع نگرش به برنامه‌ریزی و توسعه را می‌توان مطابق با دیدگاه‌های نظریه‌پردازان توسعه در دهه ۵۰ و ۶۰ دانست که توسعه را به مفهوم رشد تلقی کرده و تنها رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه را عین توسعه می‌دانستند. رژیم گذشته در اوایل دهه ۵۰ شمسی به حساسیت موضوع پی برد و جهت رفع نابرابری‌ها و ایجاد تعادل منطقه‌ای در صدد استفاده از روش برنامه‌ریزی فضای ملی همگام با برنامه‌های اقتصادی گردید که بعد از انقلاب نیز در مراحل مختلف پیگیری شد و در حال حاضر نیز یکی از ضرورت‌های توسعه متعادل فضایی در سطح ملی است.

در این خصوص اصول جدید برنامه‌ریزی بر چهار اصل زیر استوار است:

- ویژگی فضایی که نیازمندی‌ها و ویژگی‌های مکان‌ها در آن مدنظر قرار می‌گیرد
  - ویژگی پایداری که بحث پایداری در مقیاس کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت مورد توجه قرار می‌گیرد
  - ویژگی یکپارچگی که لزوم هماهنگی اهداف و اقدامات را مورد توجه قرار می‌دهد
  - ویژگی جامعیت که لزوم توجه به تمام بخش‌ها در یک نگرش سیستمی و جامع را بیان می‌کند
- در این چارچوب بعد فضا دارای اهمیت فراوان است و اصول برنامه‌ریزی فضایی در برگیرنده اصول پایداری، یکپارچگی و جامعیت است. در این میان رسالت برنامه آمایش سرزمین رسیدن به عدالت اجتماعی از دیدگاه دسترس‌ی عادلانه و توزیع فضایی دستاوردهای توسعه، کارایی ناشی از برقراری و تقویت پیوندها و ایجاد یکپارچگی فضایی، تعادل اکولوژیکی و ارتقا کیفیت زندگی و حفظ و اعتدالی هویت منطقه‌ای است. بنابراین می‌توان تهیه طرح‌های آمایش و اجرا کردن آن را به دلایل زیر ضروری دانست.

- ۱- جهت بهره‌برداری مناسب از امکانات و قابلیت‌های مناطق
  - ۲- جهت ایجاد تعادل فضایی در پهنه سرزمین
  - ۳- جهت تلفیق ویژگی‌های فرهنگی مناطق در فرایند ملی - منطقه‌ای
  - ۴- جهت ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف اقتصادی
  - ۵- جهت لحاظ مناسبات جهانی و منطقه‌ای در برنامه‌ریزی
  - ۶- جهت تخصصی کردن و دادن نقش‌های محوری به مناطق
- و در نهایت جهت ایجاد زمینه برای رشد و توسعه کشور به مفهوم واقعی و استفاده از قابلیت‌های طبیعی، اجتماعی و اقتصادی در تسریع فرایند توسعه و هدایت صحیح چارچوب توسعه است (کوهن، ۱۳۸۷).

## تحلیل سوات استان‌های غربی ایران

جدول ۱: تحلیل سوات مناطق غربی کشور

فرصت‌ها (بیرونی)	تهدیدها (بیرونی)
۱۰= همسایگی با کشورهای عراق و ترکیه	۱T= بحران خیز بودن عراق
۲۰= داشتن پیوندهای قومی با اقوام عراق و ترکیه	۲T= تنش‌های فی‌مابین ایران و کشورهای کرد عراق
۳۰= ناامنی و جنگ در عراق	۳T= حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در عراق
۴۰= آب و هوای گرم و نامناسب استان‌های شرقی و جنوبی کشور	۴T= وجود پایگاه‌های نظامی امریکا در عراق و ترکیه
۵۰= موقعیت دفاعی مطلوب این مناطق نسبت به خلیج فارس	۵T= قاچاق گسترده کالا از مبادی بیرونی به این مناطق
۶۰= کمبود نیروی کار در مناطق مجاور	۶T= هجوم ریزگردها از عراق
۷۰= بازارهای اقتصادی عراق و ترکیه	۷T= تهدیدات آب و هوایی و زیست محیطی و هویتی

نقاط ضعف (درونی)	نقاط قوت (درونی)
۱W = فقر و توسعه نیافتگی	۱S = جاذبه‌های طبیعی و اکوسیستم‌های ویژه
۲W = بی‌ثباتی مدیریتی و بی‌ثباتی برنامه‌ریزی	۲S = میراث فرهنگی و تاریخی غنی
۳W = جاده‌ها و راه‌های نامناسب	۳S = جنگل‌های بلوط
۴W = قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی	۴S = آب و هوای معتدل و مطلوب
۵W = ضعف امکانات گردشگری	۵S = کوه‌های سر به فلک کشیده زاگرس
۶W = دوری از مرکز سیاسی کشور	۶S = نیروی انسانی ورزیده و سالم
۷W = بیکاری گسترده	۷S = کشاورزی و معادن زیرزمینی فراوان

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول شماره ۲: ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE)

نقاط قوت کلیدی	وزن	امتیاز	وضع	امتیاز	وزن	نقاط ضعف کلیدی	توضیحات	وزن	امتیاز	وضع	امتیاز	توضیحات
	(۰ تا ۱)	دار	موجود	(۰ تا ۱)	دار							
۱S = جاذبه‌های طبیعی و اکوسیستم‌های ویژه	۱	۴	۴	۰/۵	۱	۱W = فقر و توسعه نیافتگی		۴	۴	۴	۰/۵	۱
۲S = میراث فرهنگی غنی	۱	۳	۳	۰/۵	۱	۲W = بی‌ثباتی مدیریتی و بی‌ثباتی برنامه‌ریزی		۱/۵	۳	۳	۰/۵	۱
۳S = جنگل‌های بلوط	۱	۳	۳	۰/۸	۱	۳W = جاده‌ها و راه‌های نامناسب		۲/۴	۳	۳	۰/۸	۲
۴S = آب و هوای معتدل و مطلوب	۱	۳	۳	۰/۵	۱	۴W = قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی		۱/۵	۳	۳	۰/۵	۲
۵S = کوه‌های سر به فلک کشیده زاگرس	۱	۳	۳	۰/۳	۱	۵W = ضعف امکانات گردشگری		۰/۹	۳	۳	۰/۳	۱
۶S = نیروی انسانی کافی	۱	۳	۳	۰/۵	۱	۶W = دوری از مرکز سیاسی کشور		۱/۵	۳	۳	۰/۵	۱
۷S = کشاورزی و معادن زیرزمینی فراوان	۱	۴	۴	۱	۱	۷W = بیکاری گسترده و عدم استقرار صنایع		۴	۴	۴	۱	۱
جمع کل	۴/۶	-	۱۸/۸	۶/۵	۱۰	جمع کل		۱۸/۸	-	۴/۶	۹	۱۰

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول شماره ۳: ماتریس‌های ارزیابی عوامل خارجی (EFE)

فرصت‌های کلیدی	وزن	امتیاز	وضع	امتیاز	وزن	تهدیدهای کلیدی	توضیحات	وزن	امتیاز	وضع	امتیاز	توضیحات
	(۰ تا ۱)	دار	موجود	(۰ تا ۱)	دار							
۱O = همسایگی با کشورهای عراق و ترکیه	۱	۴	۴	۱	۱	۱T = بحران خیز بودن عراق		۴	۴	۴	۱	۱
۲O = داشتن پیوندهای قومی با اقوام عراق و ترکیه	۱	۳	۳	۰/۵	۱	۲T = تنش‌های فیمابین ایران و کشورهای کرد عراق		۱/۵	۳	۳	۰/۵	۲
۳O = نامنی و جنگ در عراق	۱	۴	۴	۰/۸	۱	۳T = حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در عراق		۳/۲	۴	۴	۰/۸	۲
۴O = آب و هوای گرم و نامناسب استان‌های شرقی و جنوبی کشور	۱	۴	۴	۰/۹	۱	۴T = وجود پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و ترکیه		۳/۶	۴	۴	۰/۹	۲
۵O = موقعیت دفاعی مطلوب این مناطق نسبت به خلیج فارس	۱	۳	۳	۱	۱	۵T = قاچاق گسترده کالا از مبادی بیرونی به این مناطق		۳	۳	۳	۱	۱
۶O = کمبود نیروی کار در مناطق مجاور	۱	۴	۴	۱	۱	۶T = هجوم ریزگردها از عراق		۴	۴	۴	۱	۰/۵
۷O = بازارهای اقتصادی عراق و ترکیه	۱	۴	۴	۱	۱	۷T = تهدیدات آب و هوایی و زیست محیطی و هوبتی		۴	۴	۴	۱	۱
جمع کل	۶/۲	۲۶	۲۳/۳	۶/۲	۱۱	جمع کل		۲۳/۳	۲۶	۶/۲	۹/۵	۱۱

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۱. امتیاز ۱ - جذاب نمی‌باشد.

امتیاز ۲ - تا حدودی جذاب می‌باشد.

امتیاز ۳ - در حد قابل قبول جذاب است.

امتیاز ۴ - جذابیت بالایی دارد.

جدول شماره ۴: ماتریس برنامه‌ریزی استراتژیک کمی یا QSPM

وزن	استراتژی WT		استراتژی ST		استراتژی WO		استراتژی SO	
	AS امتیاز جذابیت ۱	TAS کل	AS امتیاز جذابیت	TAS کل	AS امتیاز جذابیت	TAS امتیاز جذابیت	AS امتیاز جذابیت	TAS امتیاز جذابیت
تهیدها								
۱	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۱	۱
۱	۱	۱	۴	۴	۴	۴	۱	۱
۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	۱
۱	۴	۴	۲	۲	۲	۲	۱	۱
۰/۵	۱	۰/۵	۳	۰/۵	۱/۵	۱	۱	۰/۵
۰/۵	۴	۰/۵	۱	۲	۰/۵	۱	۱	۰/۵
۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	۱
هویتی								
۶	۲۲	۱۹/۵	۲۱	۱۹	۷	۶	۷	۶
فرصت‌ها								
۱	۱	۰/۱۵	۱	۱	۴	۴	۴	۴
۰/۵	۱	۰/۵	۱	۰/۵	۲	۲	۲	۲
۰/۸	۱	۰/۸	۱	۰/۸	۴	۰/۳۲	۴	۰/۳۲
۰/۹	۴	۰/۳۶	۱	۰/۹	۴	۰/۳۶	۴	۰/۳۶
جنوبی کشور								
۱	۴	۴	۱	۱	۴	۴	۴	۴
خلیج فارس								
۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۲	۲
۱	۴	۴	۱	۱	۴	۴	۴	۴
مجموع								
۶/۲								
ضعف‌ها								
۰/۵	۳	۱/۵	۱	۰/۵	۱	۰/۵	۱	۰/۵
۱	۳	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۲	۲	۱	۱	۴	۴	۴	۴
۱	۳	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۲	۲	۱	۱	۴	۴	۴	۴
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۲	۲	۱	۱	۴	۴	۴	۴
مجموع								
۶/۵								
قوت‌ها								
۱	۱	۱	۴	۴	۱	۱	۱	۴
۰/۵	۱	۰/۵	۴	۰/۲۰	۱	۱	۱	۰/۲۰
۰/۸	۱	۰/۵	۴	۰/۳۲	۱	۱	۱	۰/۳۲
۰/۵	۱	۰/۵	۴	۰/۲۰	۱	۱	۱	۰/۲۰
۰/۳	۱	۰/۳	۴	۰/۱۲	۱	۰/۳	۱	۰/۱۲
۰/۵	۱	۰/۵	۴	۰/۲۰	۱	۱	۱	۰/۲۰
۱	۱	۱	۴	۴	۱	۱	۱	۴
مجموع								
۴/۶								
جمع TAS								

منبع: یافته‌های پژوهش

۱. امتیازهای جذابیت به صورت زیر است:

امتیاز ۱ = جذاب نمی‌باشد.

امتیاز ۲ = تا حدودی جذاب می‌باشد.

امتیاز ۳ = در حد قابل قبول جذاب است.

امتیاز ۴ = جذابیت بالایی دارد.

جامعه آماری این رساله دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار و حجم نمونه نیز ۵۰ نفر تعیین شده است.

جدول شماره ۵: جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری	حجم نمونه	سن	جنسیت	تحصیلات
	۳۰-۲۶	۲۵-۳۰	مرد زن	فوق لیسانس دکتری
دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار	۵۰ نفر	۳۵ نفر	۳۳ مرد ۱۷ زن	۱۰ دکتری

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول شماره ۶: سنجش وزن سنجه‌ها<sup>۱</sup> با استفاده از AHP

ضریب	وزن	ضعف اساسی	ضعف	قوت	قوت اساسی
(۱ تا ۰)	(۱ تا ۴)				
۱	۴	*			
۱	۴	*			
۰/۵	۳	*			
۱	۳	*			
۰/۵	۳	*			
۰/۷	۲	*			
۱	۳	*			
۱	۴	*			
۰/۵	۳	*			
۱	۴	*			
۱	۴	*			
۰/۵	۲	*			
۰/۵	۲	*			
۱	۴	*			
۱	۴	*			
۰/۵	۳	*			
۱	۴	*			
۱	۴	*			
۰/۵	۲	*			
۱	۴	*			
۱	۴	*			
۰/۵	۳	*			
۱	۴	*			
۱	۴	*			
۰/۵	۲	*			
۱	۴	*			
۱	۴	*			
۰/۵	۳	*			
۱	۴	*			
۱	۴	*			
۰/۵	۲	*			
۱	۴	*			
۱	۴	*			

منبع: (یافته‌های پژوهش)

جدول شماره ۷: ماتریس SWOT

ماتریس SWOT	برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی سیاسی، امنیتی و اقتصادی	قوت‌ها S	ضعف‌ها W
فرصت‌ها O	ايجاد تسهیلات برای گردشگری و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف داخلی و خارجی	WO <sub>1</sub> = افزایش مرادوات و مبادلات اقتصادی با مناطق و کشورهای مجاور با احداث راه‌ها و زیرساخت‌های مناسب و ناوگان حمل و نقل مناسب	SO <sub>1</sub> =
تهدیدها T	شناختن پتانسیل‌های مناطق غربی با برگزاری همایش‌ها و سمینارها	WT <sub>1</sub> = افزایش انسجام ملی و تقویت هویت ایرانی در این مناطق	ST <sub>1</sub> = استقرار صنایع مهم و پایگاه‌های نظامی راهبردی کشور در این مناطق

۱. برای تعیین نمره نهایی هر عامل، ضریب هر عامل را در نمره آن ضریب کنیم.

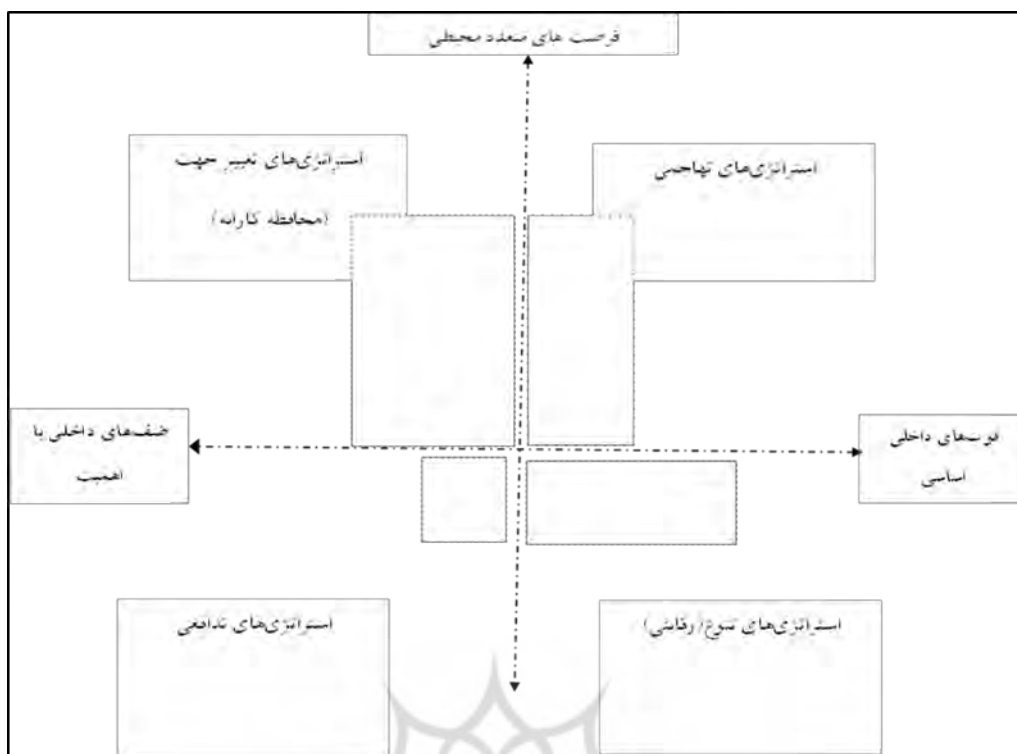
مجموع نمره‌های نهایی هر عامل را محاسبه کنیم تا نمره نهایی آن مشخص شود.

اگر میانگین آن‌ها کمتر از ۲/۵ باشد یعنی از نظر عوامل داخلی دچار ضعف بوده و اگر نمره میانگین بیشتر از ۲/۵ باشد دارای قوت است.

۲. عدد صفر (بدون اهمیت) تا یک (بسیار مهم)

۳. نمره ۱ نشان دهنده ضعف اساسی، نمره ۲ ضعف کم، نمره ۳ بیانگر نقطه قوت و نمره ۴ نیز نشان دهنده قوت بسیار بالا.





نمودار شماره ۱: الگوی ارزیابی و انتخاب استراتژی

### تهدیدهای عمده محیطی

#### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی و پژوهشی

با توجه به نمودار فوق بهترین استراتژی‌ها برای مدیریت و برنامه‌ریزی فضای سیاسی، امنیتی و اقتصادی در مناطق غربی کشور به ترتیب امتیاز عبارت‌اند از:

#### ۱- استراتژی‌های محافظه‌کارانه (WO)

اولین استراتژی مطلوب در راستای ارائه یک مدل کاربردی برای غرب ایران استراتژی‌های محافظه‌کارانه است. در این استراتژی هدف این است که از مزیت‌های موجود در فرصت‌ها برای جبران نقاط ضعف استفاده شود. در ادامه به معرفی مزیت‌ها و فرصت‌های توسعه استان‌های غربی می‌پردازیم؛

۱. قرارگیری بر محور ارتباطی شمال غربی-جنوب غربی مسیر کریدور شرقی - غربی (جاده تاریخی ابریشم) و بهره‌مندی از ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق

۲. امکان ایفای نقش در مقیاس ملی و بین‌المللی و توان تبادل انرژی برق با کشور عراق

۳. وجود منابع غنی نفت و گاز طبیعی

۴. وجود معادن قیر طبیعی در استان‌های منطقه

۵. وجود معادن با کیفیت مصالح ساختمانی از جمله سنگ‌های تزئینی، سنگ گچ، سنگ لاشه، آهک و مارن و...

۶. وجود معادن فلزی و غیرفلزی از جمله سنگ آهن، سیلیس و فلدسپات، خاک صنعتی و...

۷. وجود نیروی کار فراوان

۸. برخورداری از شرایط اقلیمی متنوع و زیست محیطی نسبتاً تخریب نشده، با امکان پی‌ریزی توسعه پایدار

۹. وجود فرشباغان و طراحان و نقاشان حرفه‌ای و با تجربه در حوزه فرش دستباف و شناخته بودن نام تجاری فرش استان در سطح کشور و جهان
۱۰. پتانسیل بسیار بالای آب‌های سطحی و زیرزمینی و امکان احداث صنایع آب بر
۱۱. وجود تأسیسات زیربنایی نظیر فرودگاه بین‌المللی، بزرگراه راه کربلا، نیروگاه حرارتی موجود و نیروگاه‌های در دست احداث، راه‌های ارتباطی مناسب در سطح استان و در دست احداث بودن راه‌آهن غرب کشور
۱۲. وجود تشکلهای صادراتی دام و نخود به عنوان تشکلهای پایه و برخورداری از محصولات متنوع کشاورزی و دامپروری در استان
۱۳. وجود جاذبه‌های طبیعی و تاریخی متنوع و همچنین روستاهای هدف گردشگری
۱۴. وجود صنعتگران و معدن کاران و فعالان تجاری
۱۵. وجود مراکز متعدد آموزش عالی و مراکز فنی و حرفه‌ای جهت تأمین نیروی متخصص مورد نیاز بخش‌های اقتصادی
۱۶. مرکزیت منطقه غرب کشور و دسترسی آسان به بازار عراق
۱۷. قطب کشاورزی با تولید محصولات متنوع و مستعد در زمینه صنایع تبدیلی
۱۸. امکان توسعه بازار محصولات دارای تقاضا که به واسطه فرهنگ مشترک با کشور همسایه شناخته شده و همچنین تولید صنایع دستی از قبیل "ابزار آلات موسیقی شامل: سه تار، تنبور، دف، فرش، گلیم، جاجیم، نمد، گیوه و چاقو
۱۹. شرایط اقلیمی مساعد و منابع طبیعی فراوان در استان برای تولید مواد اولیه فرش و...
۲۰. وجود ۱۲ شهرک‌های صنعتی و ۴ ناحیه صنعتی در سطح شهرستان‌های استان
۲۱. بهره‌مندی از سدهای فراوان
۲۲. وجود واحدهای صنعتی پتروشیمی، سیمان، کاشی قطعات خودرو و همچنین وجود چندین واحد بزرگ در زمینه تولید محصولات غذایی از قبیل روغن نباتی و رب گوجه فرنگی و واحدهای صنایع تبدیلی کشاورزی
۲۳. رویکرد و اقدام عملی سازمان برای واگذاری تصدی‌های غیرضروری (اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴) و محدود شدن کالاهای مشمول قیمت‌گذاری
۲۴. وجود بنگاه‌های متعدد تولیدی، ماشین آلات، تجهیزات و ظرفیت تولید در برخی رشته‌های صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی
۲۵. توسعه کارگاه‌های قالبیافی
۲۶. وجود ارتباط بسیار قوی بین صنعت و دانشگاه
۲۷. برگزاری کارگاه‌های آموزشی متفاوت جهت ارتقاء سطح دانش صنعتگران با رویکرد ایجاد و تعامل بیشتر صنعت و دانشگاه
۲۸. وجود زمینه‌های قانونی برای توسعه ورزش و نگرش مثبت جامعه استان به فعالیت‌های ورزشی و گرایش بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری و خدمات‌رسانی در توسعه ورزش

## ۲- استراتژی‌های رقابتی (ST)

دومین استراتژی مطلوب در راستای ارائه یک مدل کاربردی برای غرب ایران استراتژی‌های رقابتی است. در این استراتژی هدف مدیریت و برنامه‌ریزی فضای سیاسی، امنیتی و اقتصادی این است که روش‌هایی استفاده شود تا با استفاده از نقاط قوت داخلی از تأثیر منفی تهدیدات خارجی جلوگیری شود و حتی سعی شود تهدیدات را از بین ببرد. این راهبرد مربوط به وضعیت خارجی غرب ایران است و نقاط منفی (تهدیدات پیش روی) آن را در ارتباط با بیرون ارزیابی می‌کند.

حساس بودن مرزهای غربی کشور، به دلیل ناامنی‌های آن طرف مرزها و ضرورت جلوگیری از تهدیدات احتمالی آینده از این نواحی، تأمین امنیت این منطقه را برای ایران ضروری کرده است. لذا سپاه پاسداران به عنوان تأمین کننده امنیت این منطقه تلاش دارد که در حوزه‌های مختلف نقش آفرین تأمین امنیت باشد. جالب توجه اینکه به دلیل وجود قومیت‌های متنوع و وجود اقلیت‌های مذهبی، برخی از گروه‌ها فعالیت‌های زیادی برای برهم زدن امنیت این مناطق انجام می‌دهند. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به این اقلیت‌های قومی و مذهبی به عنوان یک تهدید نگریسته می‌شد، اما جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران به این قومیت‌ها و مذاهب به عنوان یک فرصت برای تأمین امنیت می‌نگرد و با بهره‌گیری از توان آن‌ها امنیت بخشی از مناطق را تأمین می‌کند.

ایران در محیط پیرامونی خود همواره با چالش‌ها و مشکلات متعدد و متداومی روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی باز تولید شده است. در گذشته، چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی مدت نظامی را در بر می‌گرفت. اکنون نیز این مسئله در قالب‌ها و مؤلفه‌های مختلفی تجلی یافته است. در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، بحران اقتدار و وجود دولت‌های ضعیف و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ۴ چالش امنیتی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی چند بعدی و تنگاتنگ دارند. در این میان، به نظر می‌رسد وجود دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای باعث تحریک دو مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در این مناطق باشد. دولت‌های ضعیف و شکننده در حوزه جنوب غرب و شمال غرب باعث گسترش تروریسم و افراط‌گرایی شده و علاوه بر این، زمینه تداوم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای بخصوص آمریکا را نیز فراهم می‌سازد. در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز بحران اقتدار و ضعف دولت‌ها، زمینه را برای همکاری نامتقارن با قدرت‌های فرامنطقه‌ای (بخصوص آمریکا) و افزایش مداخلات قدرت‌های خارجی فراهم ساخته است. این مسائل با توجه به ساخت قومی و اجتماعی منطقه و تجارب خاص دولت-ملت‌سازی، باعث پیچیدگی شرایط امنیتی می‌شود. اختلافات قومی، وجود دولت‌های اقتدارگرا، بحران مشروعیت، عدم وجود دموکراسی و نهادهای مدنی به همراه اقتصاد ضعیف در برخی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از جمله عوامل دیگری است که موجب بروز بی‌ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی ایران خواهد شد. تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه در طول سال‌های اخیر افزایش یافته است و این امر نظم و ثبات سیاسی-اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. وهابیت و سلفی‌گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی، منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی است که این ایدئولوژی به

واسطه آشفته‌گی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذینفع، فضای گسترده‌تری برای انتشار و تأثیرگذاری پیدا کرده است. تروریسم و افراط‌گرایی در عراق هر چند به واسطه عوامل مختلف داخلی و منطقه‌ای تقویت شده، اما اکنون خود به منبع عمده بی‌ثباتی و ناامنی تبدیل شده است. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه به دلیل عواملی چون نفت و موقعیت ژئوپلیتیک منطقه، همواره از عناصر ساختار امنیتی منطقه‌ای محسوب می‌شده است، اما در سال‌های بعد از یازده سپتامبر، مداخلات فرامنطقه‌ای افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. آمریکا بعد از یازده سپتامبر، رویکرد امنیت هژمونیک در خاورمیانه را مطرح کرد و بر این اساس با افزایش حضور نظامی خود به براندازی رژیم‌های طالبان و صدام در افغانستان و عراق مبادرت ورزید. در این راستا واشنگتن سعی دارد تا با جدا کردن صف متحدین و دولت‌های مخالف، تحت فشار قرار دادن دولت‌های غیرهمسو و کسب حداکثر همکاری از کشورهای متحد، امنیت هژمونیک را به عنوان ساختار امنیتی اصلی در منطقه در اولویت قرار دهد. بهانه مبارزه با تروریسم نیز از ابتدا به عنوان یکی از اهداف اصلی آمریکا در گسترش حضور خود در منطقه و تقویت الگوی امنیت هژمونیک دنبال شده است. حضور گسترده‌تر آمریکا در منطقه و اشغال افغانستان و عراق، همراه با عکس‌العمل‌های منطقه‌ای، زمینه را برای گسترش افراط‌گرایی و تروریسم مهیا ساخت و وجود بافت موزاییکی قومی و مذهبی در غرب آسیا در کنار اقدامات و استراتژی معطوف به مبارزه با تروریسم در چارچوب امنیت هژمونیک آمریکا، در عمل به گسترش تروریسم منجر شده است. تأثیر دیگر ناشی از حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران، تأثیرگذاری بر نظم طبیعی و همکاری‌های قابل توافق میان کشورهای منطقه است. از آنجا که در رویکرد امنیت هژمونیک، منافع و اهداف قدرت فرامنطقه‌ای هژمون در اولویت قرار دارد و همچنین دولت‌ها به دوست و دشمن تقسیم می‌شوند، همکاری و مشارکت دولت‌های منطقه‌ای بر مبنای منافع طبیعی و بلندمدت خود در جهت ایجاد ساختار امنیتی پایدار و مبتنی بر همکاری با دشواری‌های جدی مواجه می‌شود. در این راستا، برخی تهدیدات و چالش‌های امنیتی مشترک که در بلند مدت برای بخش عمده‌ای از کشورهای منطقه مشکل‌آفرین خواهد بود، مورد غفلت و بی‌توجهی قرار خواهد گرفت. در این میان به دلایل ذکر شده، مسئله قاچاق نیز که بدنه اقتصادی کشور را هدف قرار می‌دهد نیز هر روز در حال گسترش است و مراکز اقتصادی جامعه ایران را نیز با چالش روبرو کرده است و موضوع قاچاق در حوزه خلیج فارس و در شکل‌های گوناگون بروز و ظهور یافته که یکی از موارد آن قاچاق سوخت است که سالانه سرمایه هنگفتی را از کشور خارج می‌کند. قدرت‌یابی روز افزون داعش با حمایت کشورهای همسایه، بخصوص ترکیه و رفتارهای دوگانه آمریکا با داعش، باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت این منطقه اقدامات ویژه‌ای را انجام دهد. در این میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند و هر روز با گسترش هر چه بیشتر تروریسم، بر اهمیت نقش امنیتی این سازمان انقلابی افزوده می‌شود. هدف استراتژی‌های رقابتی، کاهش تهدیدهای فوق‌الذکر تا حد امکان است. بدین منظور در این رساله استقرار صنایع مهم و پایگاه‌های نظامی راهبردی کشور در این مناطق به عنوان استراتژی‌های رقابتی پیشنهاد می‌گردد.

### ۳- استراتژی‌های تهاجمی (SO)

با اتخاذ این استراتژی، مناطق غربی کشور با تکیه بر قوت‌های داخلی، بیشترین بهره را از فرصت‌های خارجی می‌برند. به طور کلی مهم‌ترین فرصت‌هایی که در پیرامون و مجاورت مناطق غرب کشور وجود دارد می‌توان با

همسایگی با کشورهای زیر و فرصت‌های که در مراودات اقتصادی با آن‌ها نهفته است جست و جو کرد: بررسی روابط تجاری بین ایران و جمهوری آذربایجان طی ۱۰ سال اخیر گویای روند رو به رشد صادرات و واردات است. این در حالی است که از سال ۸۳ تا ۸۶ هر دو کشور به موازات یکدیگر به مبادلات تجاری پرداخته‌اند اما رفته‌رفته از سال ۸۶ تاکنون روند واردات از آذربایجان به ایران به شدت نزولی به خود گرفته است و همچنان نیز ادامه دارد؛ اما برخلاف اظهارات برخی از فعالان بخش خصوصی مبنی بر کاهش صادرات از ایران به آذربایجان این روند رو به رشد گذاشته است. این در حالی است که در مجموع رقم فعالیت تجاری بین این دو کشور بسیار بالا نبوده و در بالاترین حالت ممکن در سال ۹۱ به ۴۲۹ میلیون دلار رسیده است. بالاترین رقم واردات از آذربایجان به ایران نیز در سال ۸۶ رقمی در حدود ۳۲۲ میلیون دلار بوده است. کشور ترکیه با پهناوری ۷۸۳ هزار و ۵۶۲ کیلومتر مربع در شمال غرب ایران واقع است. این کشور با ایران در حدود ۴۹۹ کیلومتر مرز مشترک دارد و میزان GDP آن در سال ۲۰۱۳ میلادی در حدود ۷۷۸ هزار و ۲۹۹ میلیون دلار بوده است. ایران و ترکیه دو کشور بزرگ و مهم منطقه هستند که تأثیر چشمگیری در اقتصاد یکدیگر دارند. ایران پل بین آسیای دور و شبه‌قاره هند با آسیای میانه و ترکیه پل ارتباطی بین خاورمیانه و اروپاست. هر دو کشور از موقعیت ژئواستراتژیک خاص برخوردار و به لحاظ جمعیتی دو کشور نسبتاً هم‌اندازه هستند. البته ترکیه در ۲۰ سال گذشته توانسته است بسیار موفق‌تر از ایران عمل کند و به همین جهت امروز اندازه اقتصاد آن حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد از اقتصاد ایران بزرگ‌تر است. ترکیه توانسته است خود را با کشورهای دنیا به خصوص در اروپا، آمریکا و کشورهای آسیای میانه بسیار نزدیک کند. این کشور از منظر سیاسی و اقتصادی رقیب ما در منطقه محسوب می‌شود. در کنار این موارد به جهت همسایگی، روابط اقتصادی ایران و ترکیه بسیار گسترده است و به جهت اندازه بازار دو کشور و جغرافیا ظرفیت رشد بیشتر از این نیز وجود دارد. این کشور همسایه ایران، در چند سال اخیر از محل تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بسیار بهره برد؛ هم به این جهت که در دور زدن تحریم‌ها منافع بسیار زیادی نصیب ترکیه شد و هم به این جهت که در تنش‌های اخیر در منطقه توانست جای ایران را در منطقه بگیرد. در حال حاضر در آسیای میانه و به خصوص عراق توانست بازار ما را در حدی به تصرف خود در بیاورد. این دو کشور به دلیل حجم روابط گسترده‌ای که دارند اقتصادهای بسیار متأثری از هم دارند. این تأثیرات دوجانبه است. در مورد تأمین گاز ترکیه تا بخش بسیار گسترده‌ای صرف نظر از مناقشاتی که وجود دارد به ایران وابسته است و نیاز این کشور به انرژی ماندگار و طولانی‌مدت است؛ اما طبیعتاً به جهت قرار داشتن ترکیه در مسیر ایران به اروپا توقف جاده‌ای بین ایران و ترکیه در مرزها که اخیراً شکل گرفته است می‌تواند بر تجارت ایران و اروپا تأثیر بگذارد. همان‌طور که این توقف می‌تواند بر تجارت ترکیه با آسیای میانه و افغانستان تأثیرگذار باشد.» بر اساس آمارهای منتشرشده درباره روند فعالیت‌های تجاری بین دو کشور ایران و ترکیه از سال ۸۳ همواره تراز تجاری دو کشور مثبت و رو به رشد بوده است. بر اساس این آمار همواره حجم واردات از کشور ترکیه به ایران بیش از حجم صادرات از ایران به ترکیه بوده است. عمده کالاهای صادراتی از ایران به ترکیه در ۱۰ سال اخیر پوست دباغی‌شده، پسته، سنگ آهن، کاتود، آلومینیوم، مس اوره و پلی‌اتیلن بوده است. همچنین بنزین، سیگار، شمش آهن، توتون و تنباکو، طلای خام، موز، دانه گندم و جو و کنجاله از عمده‌ترین کالاهای وارداتی از ترکیه به ایران بوده است.

عراق بزرگ‌ترین همسایه ایران در مرزهای غربی است. این کشور با ۳۱ میلیون نفر جمعیت از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. همچنین این کشور در منطقه جنوب خود، مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد. اقتصاد عراق مانند سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس متکی به اقتصاد نفت است و این موضوع به دلیل وجود ذخایر عظیم نفت در این کشور است. همچنین صنعت گردشگری در عراق نیز به خاطر وجود برخی اماکن مهم مذهبی شیعیان، نقش قابل توجهی را در اقتصاد عراق بر عهده دارد. میزان GDP آن در سال ۲۰۱۳ میلادی حدود ۲۲۲ هزار و ۸۷۹ میلیون دلار بوده است؛ اما در سال‌های اخیر روابط اقتصادی بین ایران و عراق شکل متفاوتی به خود گرفته و همزمان با اقدام گروهی از شرکای تجاری ایران به ویژه امارات و ترکیه در اعمال برخی محورهای تحریم تجاری علیه ایران، روابط تجاری کشور با چرخش قابل توجه به سمت عراق سوق پیدا کرد. به گفته بسیاری از فعالان اقتصادی، به دلیل تعهدات کشورهای امارات و ترکیه به اتحادیه اروپا، این دو کشور آرام‌آرام به تحریم‌ها علیه ایران تن داده و نتیجه آن تشدید مشکلات گشایش اعتبار، نقل و انتقال کالا و نقل و انتقال پول بود. در این بین کشور عراق به دلیل نزدیکی بیشتر گرایش سیاسی با ایران، جایگزین کشوری چون امارات به عنوان پایگاه اصلی تجارت مجدد کشور می‌شود و رتبه اول شرکای تجاری در بخش صادرات را به خود اختصاص می‌دهد. این روند همچنان ادامه داشته و در حال حاضر شاهد هستیم کشور عراق در میان کشورهای همسایه ایران از بالاترین مراودات تجاری با ایران برخوردار است.

در حال حاضر بازارهای عراق زمینه خوبی برای فعالیت سرمایه‌گذاران ایرانی فراهم کرده است اما موانعی هم بر سر توسعه روابط تجاری ایران و عراق وجود دارد که عمدتاً متوجه سرمایه‌گذاران ایرانی است. اولین موضوع، مساله رقابت خود صادرکنندگان ایرانی در عراق است که با هم بر سر قیمت‌ها رقابت می‌کنند و همین عمل آن‌ها باعث خنثی شدن منفعت اقتصادی ایرانی‌ها در عراق می‌شود. مشکل دوم این است که سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان ایرانی برای ارزان جلوه دادن کالاهای خود از کیفیت آن‌ها می‌کاهند و در نتیجه جنس نامرغوب تحویل عراقی‌ها داده می‌شود و همین اقدام آن‌ها در نهایت باعث از دست رفتن این بازار عراق در طول زمان می‌شود. نباید کالای ایرانی به عنوان یک کالای نامرغوب در عراق معرفی شود لذا صادرکنندگان ایرانی باید کالای مرغوب تولید و صادر کنند تا بازارها را در اختیار داشته باشند. روند تجاری بین این دو کشور در سال‌های اخیر همواره رشد مثبتی داشته است اما ما هنوز از این میزان قانع نشده‌ایم.» در حال حاضر میزان صادرات از عراق به ایران همچنان با نوسانات اندک روند افزایشی در پی گرفته است اما واردات کالا از این کشور به ایران ارقام ناچیزی را به خود اختصاص داده و از حیث روند واردات به ایران وضعیت مشابه کشور پاکستان است. عمده کالاهای صادرشده به عراق شامل کولر، کف‌پوش، آب معدنی، بیسکویت، پسته، سیب، سیمان، روغن سبک، کاشی و سرامیک و ماست است. همچنین قراضه و ضایعات آهن، توتون و تنباکو، آلیاژهای آلومینیوم، تیربادی و دستگاه تهویه مطبوع عمده کالاهای واردشده به ایران از عراق است.

این راهبرد می‌تواند یک حالت هم افزایی در مناطق غربی ایجاد کند. استان‌های غربی ایران اگر مایل‌اند در این موقعیت قرار داشته باشد باید بتوانند با بهره‌گیری از توانمندی‌ها، استفاده از فرصت‌ها را به حداکثر برسانند. ایجاد

تسهیلات برای گردشگری و سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف داخلی و خارجی و شناساندن پتانسیل‌های استان‌های غربی ایران با برگزاری همایش‌ها و سمینارها استراتژی‌های تهاجمی مناسب به شما می‌آیند.

#### ۴- استراتژی‌های تدافعی (WT)

چهارمین استراتژی مطلوب در راستای ارائه یک مدل کاربردی برای استان‌های غربی ایران استراتژی‌های تدافعی است. هدف از این استراتژی، کم کردن نقاط ضعف داخلی و دوری از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است. در مسئله تأمین امنیت مناطق کشور، دو منطقه مهم که از لحاظ امنیتی دارای ویژگی‌های خاصی است؛ جنوب غرب و شمال غرب کشور است که در این مناطق همسایه‌های کشور ما آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، عراق و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس هستند که هر کدام از آن‌ها چالش‌هایی را از لحاظ امنیتی دارا می‌باشند و از همین رو کشور ما را نیز از لحاظ امنیتی تحت تأثیر قرار می‌دهند. حضور گروه‌های تروریستی در این کشورها و قدرت یافتن گروه تروریستی داعش و حمایت برخی کشورهای همسایه از این گروه در کنار ضعف برخی از همسایگان برای مقابله کامل با داعش و دیگر تروریست‌ها، مشکلات متعددی را برای کشور ما به ارمغان آورده و هزینه‌های زیاد و ناخواسته انسانی و اقتصادی را به کشور تحمیل می‌کند. ساس بودن مرزهای غربی کشور، به دلیل ناامنی‌های آن طرف مرزها و ضرورت جلوگیری از تهدیدات احتمالی آینده از این نواحی، تأمین امنیت این منطقه را برای ایران ضروری کرده است. لذا سپاه پاسداران به عنوان تأمین کننده امنیت این منطقه تلاش دارد که در حوزه‌های مختلف نقش آفرین تأمین امنیت باشد. جالب توجه اینکه به دلیل وجود قومیت‌های متنوع و وجود اقلیت‌های مذهبی، برخی از گروه‌ها فعالیت‌های زیادی برای برهم زدن امنیت این مناطق انجام می‌دهند. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به این اقلیت‌های قومی و مذهبی به عنوان یک تهدید نگریسته می‌شد، اما جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران به این قومیت‌ها و مذاهب به عنوان یک فرصت برای تأمین امنیت می‌نگرد و با بهره‌گیری از توان آن‌ها امنیت بخشی از مناطق را تأمین می‌کند. ایران در محیط پیرامونی خود همواره با چالش‌ها و مشکلات متعدد و متداومی روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی باز تولید شده است. در گذشته، چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی مدت نظامی را در بر می‌گرفت. اکنون نیز این مسئله در قالب‌ها و مؤلفه‌های مختلفی تجلی یافته است. در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، بحران اقتدار و وجود دولت‌های ضعیف و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ۴ چالش امنیتی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی چند بعدی و تنگاتنگ دارند. در این میان، به نظر می‌رسد وجود دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای باعث تحریک دو مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در این مناطق باشد. دولت‌های ضعیف و شکننده در حوزه جنوب غرب و شمال غرب باعث گسترش تروریسم و افراط‌گرایی شده و علاوه بر این، زمینه تداوم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای بخصوص آمریکا را نیز فراهم می‌سازد. در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز بحران اقتدار و ضعف دولت‌ها، زمینه را برای همکاری نامتقارن با قدرت‌های فرامنطقه‌ای (بخصوص آمریکا) و افزایش مداخلات قدرت‌های خارجی فراهم ساخته است. این مسائل با توجه به ساخت قومی و اجتماعی منطقه و تجارب خاص دولت-ملت‌سازی، باعث پیچیدگی شرایط امنیتی

می‌شود. اختلافات قومی، وجود دولت‌های اقتدارگرا، بحران مشروعیت، عدم وجود دموکراسی و نهادهای مدنی به همراه اقتصاد ضعیف در برخی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از جمله عوامل دیگری است که موجب بروز بی‌ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی ایران خواهد شد. تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه در طول سال‌های اخیر افزایش یافته است و این امر نظم و ثبات سیاسی-اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. وهابیت و سلفی‌گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی، منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی است که این ایدئولوژی به واسطه آشفتگی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذینفع، فضای گسترده‌تری برای انتشار و تأثیرگذاری پیدا کرده است. تروریسم و افراط‌گرایی در عراق هر چند به واسطه عوامل مختلف داخلی و منطقه‌ای تقویت شده، اما اکنون خود به منبع عمده بی‌ثباتی و ناامنی تبدیل شده است. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه به دلیل عواملی چون نفت و موقعیت ژئوپلیتیک منطقه، همواره از عناصر ساختار امنیتی منطقه‌ای محسوب می‌شده است، اما در سال‌های بعد از یازده سپتامبر، مداخلات فرامنطقه‌ای افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. آمریکا بعد از یازده سپتامبر، رویکرد امنیت هژمونیک در خاورمیانه را مطرح کرد و بر این اساس با افزایش حضور نظامی خود به براندازی رژیم‌های طالبان و صدام در افغانستان و عراق مبادرت ورزید. در این راستا واشنگتن سعی دارد تا با جدا کردن صف متحدین و دولت‌های مخالف، تحت فشار قرار دادن دولت‌های غیرهمسو و کسب حداکثر همکاری از کشورهای متحد، امنیت هژمونیک را به عنوان ساختار امنیتی اصلی در منطقه در اولویت قرار دهد. بهانه مبارزه با تروریسم نیز از ابتدا به عنوان یکی از اهداف اصلی آمریکا در گسترش حضور خود در منطقه و تقویت الگوی امنیت هژمونیک دنبال شده است. حضور گسترده‌تر آمریکا در منطقه و اشغال افغانستان و عراق، همراه با عکس‌العمل‌های منطقه‌ای، زمینه را برای گسترش افراط‌گرایی و تروریسم مهیا ساخت و وجود بافت موزاییکی قومی و مذهبی در غرب آسیا در کنار اقدامات و استراتژی معطوف به مبارزه با تروریسم در چارچوب امنیت هژمونیک آمریکا، در عمل به گسترش تروریسم منجر شده است. تأثیر دیگر ناشی از حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران، تأثیرگذاری بر نظم طبیعی و همکاری‌های قابل توافق میان کشورهای منطقه است. از آنجا که در رویکرد امنیت هژمونیک، منافع و اهداف قدرت فرامنطقه‌ای هژمون در اولویت قرار دارد و همچنین دولت‌ها به دوست و دشمن تقسیم می‌شوند، همکاری و مشارکت دولت‌های منطقه‌ای بر مبنای منافع طبیعی و بلندمدت خود در جهت ایجاد ساختار امنیتی پایدار و مبتنی بر همکاری با دشواری‌های جدی مواجه می‌شود. در این راستا، برخی تهدیدات و چالش‌های امنیتی مشترک که در بلند مدت برای بخش عمده‌ای از کشورهای منطقه مشکل‌آفرین خواهد بود، مورد غفلت و بی‌توجهی قرار خواهد گرفت. در این میان به دلایل ذکر شده، مسئله قاچاق نیز که بدنه اقتصادی کشور را هدف قرار می‌دهد نیز هر روز در حال گسترش است و مراکز اقتصادی جامعه ایران را نیز با چالش روبرو کرده است و موضوع قاچاق در حوزه خلیج فارس و در شکل‌های گوناگون بروز و ظهور یافته که یکی از موارد آن قاچاق سوخت است که سالانه سرمایه هنگفتی را از کشور خارج می‌کند. قدرت‌یابی روز افزون داعش با حمایت کشورهای همسایه، بخصوص ترکیه و رفتارهای دوگانه آمریکا با داعش، باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت این منطقه اقدامات ویژه‌ای را انجام دهد. در



این میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند و هر روز با گسترش هر چه بیشتر تروریسم، بر اهمیت نقش امنیتی این سازمان انقلابی افزوده می‌شود.

## منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، ساختار و تأویل امنیت (درآمدی بر روش‌شناسی تفسیری)، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۵، شماره ۱۵.
- یوفر، آندره (۱۳۶۶)، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه ج.ا.ایران.
- بیلیس، جان و جیمز ویرتز و الیوت کوهن و کالین گری (۱۳۸۲)، استراتژی در جهان معاصر. جلد دوم. تهران: ابرار معاصر.
- پیشگاهی فرد، زهرا و ناصر سلطانی خلیفانی (۱۳۸۸)، تحلیل سیاست‌های آمایش سرزمینی ایران و ترکیه در مناطق مرزی همجوار، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۴۲، شماره ۶۹.
- جمشیدی، محمد (۱۳۸۱)، جایگاه بازدارندگی متعارف در استراتژی دفاعی دولت باراک اوباما در قبال جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره ۱.
- جهان‌بین، اسماعیل و ماشالله مشهدی (۱۳۷۶)، مناطق استراتژیک جهان، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
- حافظ نیا، محمد رضا و محمد قصری و حمید و حسین حسینی (۱۳۸۴)، قومیت و سازمان‌دهی سیاسی فضا (مورد: غرب و شمال غرب ایران)، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۲.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه‌ی هرمز، چاپ سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا محمدرضا و محمدحسین افشردی (۱۳۸۱)، تحلیل ژئوپلیتیک قفقاز؛ بستری برای تدوین سیاست خارجی مناسب‌تر در منطقه، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۴، شماره ۴۲.
- حافظ نیا، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- عزت‌الله عزتی (۱۳۷۱)، ژئوپلیتیک، تهران، سمت، چاپ دوم.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۲)، ژئوپلیتیک در قرن ۲۱، تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۷)، ژئوپلیتیک، تهران: سمت.
- عزتی، عزت‌الله و کیومرث یزدان پناه درو (۱۳۸۶)، تحلیلی بر ژئوپلیتیک پیمان اقتصادی-امنیتی شانگهای با تأکید بر چشم انداز عضویت ایران در این سازمان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران، انتشارات سمت.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۹)، ژئوپلیتیک. تهران: انتشارات سمت.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۳)، نگرشی تئوریک بر مدل‌های جنگ و بازدارندگی: دیدگاه واقع‌گرای. فصلنامه ساست دفاعی شماره ۴۹ (زمستان ۱۳۸۳): ۷۱-۹۸.
- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳)، امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۶.
- کوهن، برنارد ساوول (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، با ترجمه ترجمه‌ی عباس کاردان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- گریفتس، مارتین (۱۳۹۰)، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، با ترجمه علیرضا طبیب. جلد دوم. تهران: نشر نی.
- لاکوست، ایو (۱۳۷۸)، عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک، ترجمه‌ی علی فراستی، تهران: نشر امن.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. سمت، تهران:
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: سمت.
- مستوفی الممالکی، رضا و نعمت شاه کرمی و مجتبی فتایی (۱۳۹۶)، ارزیابی نظام سلسله‌مراتبی شهری استان لرستان در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره چهل و نهم - شماره ۱

مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میر حیدر با همکاری سید یحیی صفوی. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

میره ای، محمد و مسلم عارفی و آیت رشونفر (۱۳۹۵)، پژوهشی بر توسعه یافتگی و نابرابری‌های آن در استان لرستان، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، شماره ۲۱

ناصرپور، حسن (۱۳۸۶)، شناخت راهبرد جنگ اقتصادی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، معاونت سیاسی مرکز عقیدتی- سیاسی ناجا، تهران.

واندنبرگ، ل. (۱۳۴۹)، مفرغ‌های لرستان، ترجمه یحیی شهیدی، فصلنامه بررسی‌های تاریخی، شماره ۲۷

هاشمی، عبدالرضا (۱۳۹۲)، سیمای توسعه در استان لرستان در سال ۱۳۹۲، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره هفتم - شماره ۴

هاشمی، عبدالرضا (۱۳۹۲)، سیمای توسعه در استان لرستان در سال ۱۳۹۲، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره هفتم - شماره ۴

الهی، همایون (۱۳۸۶)، خلیج فارس و مسائل آن، چاپ نهم، نشر قومس.

هیپل، لسلی (۱۳۷۰)، تجدید حیات «ژئوپلیتیک»، ترجمه دره میر حیدر، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۷ و ۴۸.

نقیب زاده، احمد (۱۳۸۴)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سازمان سمت.

